

این روزها، وقوع
درگیری در مرز مورد
مناقشه افغانستان
پاکستان، به یک
مشکل تکراری بدل
شده است. از زمان
به قدرت رسیدن
طالبان در آگوست
۲۰۲۱، تعداد این
درگیری‌ها افزایش
یافته است

تنش‌ها بین اسلام‌آباد و کابل همچنان رو به افزایش است. هرچند پاکستان برای کاهش این اختلاف‌های فزاینده اقداماتی انجام داده است (از بازگشایی گذرگاه مرزی مهم اسپین بولدک. چمن که بعد از کشته شدن یک نیروی امنیتی پاکستان در ۱۳ نوامبر بسته شده بود، تا اعزام وزیر مشاور دولت در امور خارجی به کابل در اواخر ماه نوامبر) اما نشانه‌های واضحی وجود دارد دال بر اینکه اهرم‌های فشار پاکستان بر طالبان، به سرعت رو به افول است.

تنش‌های اساسی

این روزها، وقوع درگیری در مرز مورد مناقشه افغانستان - پاکستان، به یک مشکل تکراری بدل شده است. از زمان به قدرت رسیدن طالبان در آگوست ۲۰۲۱، تعداد این درگیری‌ها افزایش یافته است. تا همین اواخر، پاکستان با کم اهمیت جلوه دادن این درگیری‌های مرزی، خواستار یافتن یک راه حل دیپلماتیک برای این مسأله بوده است اما مسأله ناآرامی در کمر بند پشتون، بسیار بزرگ‌تر از آن شده است که بتوان آن را انکار کرد.

حتی به رغم روی کار آمدن یک حکومت اسلامگرا در کابل به رهبری طالبان، حل مشکلات اساسی بین دو کشور همچنان دشوار باقی مانده است. اجتناب مداوم طالبان از پذیرش «خط دیورند» به عنوان مرز بین المللی بین دو کشور، یکی از عوامل اصلی بروز درگیری‌ها و تنش‌ها بوده و سبب کاهش اعتماد و افزایش دشمنی بین طرفین شده است.

در همین حال، پیروزی نظامی طالبان در افغانستان، باعث الهام بخشی به کسانی شده است که به دنبال اجرای قانون شریعت در پاکستان بوده‌اند. دولت پاکستان به دلایل مختلف، نگران ضربات طالبان افغان در طول خط دیورند است. حمایت پاکستان از نیروهای جهادی حالا باعث تحریک احساسات دینی در بین بخش عظیمی از جمعیت این کشور شده است. رابطه ایدئولوژیکی که به پاکستان کمک کرد تا طالبان را در افغانستان کنترل کند، راه را برای رشد افراطی‌گری اسلامی در خود پاکستان نیز باز کرده است. حالا نیروهای اسلام‌گرا و جهادی، دیگر مثل گذشته، از اسلام برای مخالفت با هند استفاده نمی‌کنند بلکه بیشتر آن را ابزاری برای تحت فشار قرار دادن دولت پاکستان به منظور اسلامی کردن چهره این کشور می‌دانند.

یک رابطه در حال تغییر

پیش از این، طالبان یک دارایی راهبردی ارزشمند برای تشکیلات امنیتی پاکستان در سیاست‌های ضد هندی آن به حساب می‌آمد. اما حالا که خود طالبان کنترل افغانستان را در دست دارد، دور شدن از هند منافع چندانی را عاید آن نمی‌کند، بخصوص اینکه دهلی نمی‌تواند کمک زیادی به تأمین بودجه مورد نیاز در زمینه بازسازی و توسعه کشور داشته باشد. به عبارت دیگر، رابطه هند و طالبان، اگر رو به پیشرفت هم نباشد، دست کم در بیان و عمل، کمتر حالت خصمانه پیدا کرده است. هرچند پاکستان ذینفع اصلی از رژیم تحت رهبری طالبان در افغانستان است اما نباید فراموش کرد که قدرت‌های منطقه‌ای مثل روسیه، چین و قطر نیز در نشان دادن طالبان پای میز مذاکره نقش داشته‌اند. حالا طالبان در حال ارسال این پیام است که تمایل کمتری به پذیرش دستورات پاکستان دارد.